متن کامل بیانات رهبر انقلاب در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان:

برای شکست تحریم، باید خط تحریف شکست بخورد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صبح جمعه به‌مناسبت عید سعید قربان، در سخنرانی زنده تلویزیونی با ملت شریف ایران سخن گفتند. متن بیانات رهبر انقلاب به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR به شرح زیر است:

///

بسم‌الله‌الرّحمن الرّحیم

و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة‌الله فی‌الارضین.

عید سعید قربان را - که یکی از خاطره‌های بزرگ تاریخی همه متدیّنین جهان است - تبریک عرض می‌کنم به عزّت ایران و به همه مسلمانان و به پیروان ادیان ابراهیمی.

دهه اوّل ذی‌حجّه، دهه خاطره‌های آموزنده و دهه تضرّع و انابه الی‌الله

خاطره روز عید قربان، خاطره بزرگی است؛ اساساً دهه اوّل ذی‌حجّه، دهه خاطره‌هاست. در ماه ذی‌حجّه، هر دهه‌ای یک خصوصیّتی دارد؛ دهه اوّل، هم دهه خاطره‌های پُرشکوه و مهم و آموزنده است و هم دهه تضرّع و توجّه و انابه الی‌الله است. خاطره‌ها از خاطرات مربوط به حضرت موسی (علیه‌السّلام) شروع می‌شود که مساله «وَواعَدْنا مُوسی ثَلاثینَ لَیْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعینَ لَیْلَةً» [است که] چهل شب میعاد حضرت موسی با پروردگار عالم در کوه طور با همان میقاتی که بود طول کشید؛ که در تفسیر هست که این چهل شب از اوّل شب اوّل ذی‌قعده است تا شب عید قربان. و اوّل، قرار می‌شود شب است، بعد دهشب اضافه می‌شود که همین ده‌شب ذی‌حجّه است؛ که این [موضوع] که اهمیّت این شب‌ها را نشان می‌دهد.

رنج‌های حضرت موسی (علیه‌السّلام) در این خاطرات مشخّص است. خب، زحمات فراوان حضرت موسی (علیه‌السّلام) در مصر، درگیری با فرعون و مشکلات عجیب و غریبی که بعد از برگشتن از مدین تا بیرون آمدن از مصر برای این بزرگوار پیش آمد - در رابطه با فرعون، در رابطه با بنی‌اسرائیل، در رابطه با سحره و دیگران - و بعد از آن معجزه عظیمی که اتّفاق افتاد، که دریا شکافته شد و دشمن بنی‌اسرائیل با همه نیروهایش جلوی چشم‌تانها غرق شد، خب این دیگر باید یک ایمان ثابت مستقری را در بنی‌اسرائیل به‌وجود می‌آورد؛ [ولی این‌جوری نشد. اوّل که گفتند: «اِجْعَلْ لَنا إِلهاً کَما لَهُمْ آلِهَة»، که دنبال شرک و بت‌پرستی و مانند [بودند] و اَیّامِ‌الله‌شان پر از بدی‌های بت‌پرستی - اوّل کار بود - بعد هم که قضیّه گوساله [بود] که این ظاهراً مربوط به همین چهل‌روز است که این بزرگوار وقتی از میعادبرگشت، دید که اوضاع دگرگون شده و ملّت برگشتند.

چه رنج بزرگی است برای یک پیغمبر، یک داعی الی‌الله، با این همه زحمت عذّابی را در راه خدا به راه بیندازد و ایمان به اینها تلقین کند، بعد به یک چیز جزئی اینها این‌طور اینها را برگردند؛ که در قرآن دارد «وَالْقی الْاَلواحَ وَاَخَذَ بِرَأسِ اَخیهِ یَجُرُّهُ اِلَیه»، حضرت این‌وضع را که دیدند، به‌شدّت خشمگین ناراحت متأسّف شدند، که در قرآن حدّاقل دوجا به این [موضوع] اشاره شده است، که «لاتَکونوا کَالَّذینَ آذَوا موسی» و آزاری بنی‌اسرائیل به حضرت موسی در اینجا کرد شده؛ یک جا هم در سوره صف است که «فاذ موسی لقومه یا قوم لِمَ تُؤْذونَنی وَقَد تَعلَمونَ اَنّی رَسولُ اللهِ اِلَیکُم»؛ این نُشان‌دهندهٔ آن است که اذیّت و آزار بنی‌اسرائیل به حضرت موسی خیلی بزرگ بوده؛ این دشب خاطره‌ها و واقعات مهمّ تاریخی است و به ما نشان می‌دهد که حرکت در راه حق با وجود معجزاتی مثل معجزات موسی، چقدر مشکلات دارد و چقدر باید با این مشکلات مواجه شد و صبر کرد، که این یک خاطره است.

بعد مساله روز عرفه است که روز دعا و توسّل و توجّه و اوج توجّه به خدا است که در روایت از امام صادق (علیه‌السّلام) نقل شده که ایشان فرمودند پدرم، یعنی حضرت باقر (علیه‌السّلام)، در روز عرفه در عرفات در هوای داغ آنجا روزه می‌گرفت - که لابد روزه نذری بوده است - و دعا می‌خواندند و تضرّع می‌کردند و گریه می‌کردند در آن هوای داغ کذایی. دعای امام‌حسین (علیه‌السّلام) هم که خب روشن است و دعای صحیفه سجّادیه هم که دعای فوق‌العاده‌ای است. اینها مربوط به روز عرفه است. امیدوارم ملّت عزیز ما دیروز را که عرفه بود، خیلی وافر برده باشند و ان‌شاءالله همه دعاهایشان مستجاب باشد.

بعد نوبت می‌رسد به روز عید قربان، این قربانی شگفت‌انگیز و شگفتی‌ساز در تاریخ که بی‌نظیر است. حضرت ابراهیم مأمور می‌شود که نوجوان خودش را به‌دست خودش به‌قتل برساند - امر الهی است، آزمایش الهی است - آن هم فرزندی که سال‌های متمادی از وجود او محروم بوده و در پیری الحَمْدُلله الَّذی وَهَبَ لی عَلَی الکِبَرِ إسماعیلَ وَإسحاقَ؛ خدای متعال این بچّه را به حضرت ابراهیم داده بود و خب پیدا است چقدر ارزش به فرزند اواخر عمر و دوران پیری دلبسته است. به این فرزند که حالا «فَلَمّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْیَ» - یک جوانی و یا نوجوانی شده - گفت می‌خواهم تو را به قتل برسانم. این دستور خدا است. آن جوان هم گفت: یا اَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی اِنْ شاءَاللهُ مِنَ الصّابِرین. ببینید اینها حوادث عجیب تاریخ دین، تاریخ دین‌داری، تاریخ ایمان، تاریخ اسلام است. ما در گذشته خودمان، در سابقه دین‌داری خودمان اینها را داریم، که پدر پیر حاضر است جوان خودش را به دست خودش به خاطر دستور خداوند قربانی کند و جوان هم با کمال پس‌ولطوع ورغبت می‌گوید: اِفْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی اِنْ شاءَاللهُ مِنَ الصّابِرین؛ خواهی دید که من تحمّل می‌کنم.

این هم خاطره عید قربان است که خب این ده‌دهه اوّل، دهه این‌جور خاطره‌های شکوهمند و پُرمعنا و راهنمایی کننده است.

دهه دوّم و سوّم ذی‌حجّه؛ یادآوری برتری جایگاه ولایت

دهه دوّم ذی‌حجّه، دهه ولایت است و مساله غدیر که در روایت هست که «ما نودیَ اَحَدٌ بِشیءٍ مِثلَ ما نودیَ بِولایه»؛ از همه احکام الهی، این ولایت جایگاه برتری دارد، چون تأمین کننده و تضمین کننده همه احکام الهی است که خب ماجرای غدیر و آن داستان بسیار مهم [بیانگر آن است].

دهه سوّم هم باز دهه‌ای است که در آن هم حوادث مهمّی وجود دارد؛ از جمله وشاید مهم‌ترینش داستان ماباهله است که آنجا هم مساله، مساله توحید است؛ یعنی بحث پیغمبر با مسیحیان آن روز، نصارای نجران که به مباهله منتهی شد، بحث درباره حضرت عیسی بود که حضرت می‌فرمودند حضرت عیسی بنده خدا و پیامبر خدا است، آنها چیزهایی دیگری می‌گفتند؛ قرار شد مباهله کنند که بعد در قضایای مباهله که معروف است و شنیده‌اید آنها مجبور شدند عقب‌نشینی کنند.

خب امیدوارم این ان‌شاءالله که این روز پرشدنا مبارک باشد؛ این دهه را با مبارکی گذرانده باشید و دوده‌ها بعد ذی‌حجّه‌ام‌ان‌شاءالله آن چنان که رضای الهی است؛ آن چنان که خوشبختی ملّت عزیز ما است بگذرانیم.

دلیل محرومیّت اینجانب از دیدارهای مردمی

خب یکی از دلخوشی‌های بنده، همیشه در طول این سال‌های متمادی، دیدار با مردم بوده؛ یکی از دلبستگی‌های اینجانب و حوادث پرحادثه برای من، دیدار با مردم بوده که یک چیزی بشنوم، یک چیزی بگویم و با طبقات مختلف مردم دیدار کنیم؛ این دشمن خطیر وخطرناک بنده و پروس کردنا - که هم خیلی خطیر وصغیر است، هم خیلی خطرناک و خطرناک است - مانع شده است؛ و این را هم مثل خیلی از دلبستگی‌های دیگر، از ما گرفته. قرار بود که در آیّام مبارک محرومیّت از دیدار مردم، [به‌جای] این برنامه‌ای که الان داریم، با حدّ متنگرازان داوی سلامت و کمک مؤمنانه و مانند اینها دیدار تصویری داشته باشیم؛ که تعدادی از آنها طبعاً در یک جایی باید جمع می‌شد. بعد گفتند که مصوبه ستاد ملّی کرونا این است که بیش از ده نفر جمع نشوند؛ اگر این را هم تعطیل کردیم به خاطر این [مصوبه] و تبدیل شد به این دیدار امروز که به شکل دوارد و با شما مردم عزیز صحبت می‌کنیم.

ایثارگری مثال زدنی ملّت ایران در بلایای طبیعی و دفاع مقدس، و این ابتلاء همگانی اخیر

جمع موضوع را هم مطرح می‌کنم. موضوع اوّل، همین مساله دحمت و کارهای زیادی است که درواقع، مجاهدان سلامت و خدمت امروز دارند انجام می‌دهند و باید این ان‌شاءالله ادامه پیدا کند. خب امروز همه دنیا با یک ابتلاء همگانی مواجهند؛ بعضی مخصوص جای خاصّی نیست؛ امروز همه دنیا، همه کره زمین تقریباً مبتلا به این حادثه‌اند؛ بعضی کمتر، بعضی شدیدتر و شاید در سیاری از جاها هم افرادی از آحاد مردم هستند که به گرفتارها و مبتلایان و مانند اینها کمک‌هایی می‌کنند، کمپوش یک‌جاهایی کمک‌هایی هست، لکن هیچ‌جاگمان نمی‌کنم مثل کشور ما، مثل این ملّت عزیز ما باشد که تعداد کسانی که داوطلبانه به یک چنین کمک‌هایی اقبال می‌کنند، این همه زیاد باشد؛ شاید در سیاری از جاها هم افرادی از آحاد مردم هستند که به گرفتارها و مبتلایان و مانند اینها کمک‌هایی می‌کنند، کمپوش یک‌جاهایی کمک‌هایی هست، لکن هیچ‌جاگمان نمی‌کنم مثل کشور ما، مثل این ملّت عزیز ما باشد که تعداد کسانی که داوطلبانه به یک چنین کمک‌هایی اقبال می‌کنند، این همه زیاد باشد؛ شاید نه‌برابر نداریم و نشنیده‌ام و گزارشی نداریم از اینکه در جایی از کشورهای دنیا این‌همه تحرک مردمی و پیشتیبانی‌های مردمی وجود داشته باشد؛ که این از خصوصیات ملّت ما در ایثارگری است؛ همه در بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله و امثال اینها، همه در بلایای غیرطبیعی مثل تحمیل جنگ. در هشت‌سال دفاع مقدّس همین حرکت عظیم ایثارگرانه کمک و جوان حماسه‌ساز رابه‌وجود آورد و جبهه‌ها را به آن شکل آراست که تا آخر در تاریخ ماباید دیوان برجسته‌ای است. امروز هم همین‌جور است؛ در همین قضیّه مشاهده شد. خب مجموعه‌های درمانی صفوف مقدّم بودند، پزشکان و پرستاران و بقیّه عوامل درمانی واقعاً فداکاری کردند که دیگر زبان قاصر است از اینکه بخواهد اهمیّت فداکاری اینها را بیان کند. پشت سر اینها هم داوطلبانی بودند که وارد شدند، در زمینه مسائل سلامت کمک کردند و کارهایی را که غیرمتخصّص می‌توانستند انجام بدهند، بعضی از اینها فراگرفتند و انجام دادند و کارهای بزرگی در این زمینه انجام گرفت، که باید الان با توجّه به اوج دیواره این بیماری، همین خدمات و این پشتیبانی‌ها باز هم انجام بگیرد.

لزوم تداوم کمک مؤمنانه؛ درجهت جبران مشکلات و آسیب‌های جدّی مردم

یک مساله هم مساله کمک مؤمنانه است. عدّه‌ای از مردم در این حوادث بحدّ آسیب دیدند؛ البتّه برای اغلب مردم از لحاظ کسب‌وکار و درآمد و زندگی و مانند اینها مشکلاتی پیدا شده، لکن همه دچار آسیب‌های جدّی نشده‌اند؛ یک عدّه‌ای واقعاً دچار آسیب‌های جدّی شدند و مشکلات فراوانی برایشان پیش آمد. این را باید جبران کرد؛ چه کسی جبران کند؟ مردم. نمی‌شود همه بار را بر دوش دولت گذاشت؛ البتّه مسئولین دولتی و شبه‌دولتی وظایفی دارند که باید انجام بدهند و انجام هم می‌دهند. ما مطلبیم که دارند کار می‌کنند، لکن اینها کافی نیست و بایستی عموم مردم همچنان در آن جریان اوّل کمک مؤمنانه در آستانه ماه رمضان وارد شدند و به‌معنای واقعی کلمه کمک کردند، باز هم همین [کار] انجام بگیرد. این نشان الی الخیرات است. ما در قرآن چند جا داریم که «یُسارِعُونَ فی الْخَیْراتِ»؛ یا «یُسارِعُونَ فی الْخَیْراتِ وَأُولئکَ مِنَ الصّالِحینَ». یک جا [دارد] «وَأُولئکَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَهُمْ لَها سابِقُونَ»؛ چند جا [دارد] «فاستَبِقُوا الخَیرات»؛ یعنی مسابقه گذاشتن که قرآن به‌معنای واقعی کلمه، به ما می‌گوید در کار خیر و کمک‌های مؤمنانه مسابقه بگذارید، یعنی سعی کنید شما جلوتر از دیگران حرکت کنید و [پیش] بروید. و این کار به منظر من مهم است؛ حتّی این اطعام‌های محرم را هم که در آن ایّام مبارک است، یعنی بعضی از مردم که توانایی‌های دارند و نذری و اطعام و مانند اینها دوست می‌کنند، می‌شود به این شکل کمک مؤمنانه به خانواده‌ها و به شکل کاملاً باکیفیّت و دور از مشکل سرایت [بیماری] و مانند اینها انجام داد. این تلقی‌ای که بعضی‌ها واقعی کلمه اینها را نمی‌بینند اینجا هم مسائل قطعی انقلابی گرای برجسته‌ای در این زمینه انجام بدهند، لکن وقتی که می‌بینند یک کسانی در آن وضعیت مقدّم پایستی و عاطفه وشوق حرکت می‌کنند، اینها هم به شوق می‌آیند و بلافاصله در بین صفوف یک جایی برای خودشان پیدا می‌کنند و آنها هم وارد این میدان می‌شوند.

پارسال - در اوّل سال ۹۸ - در سیل خوزستان، شهید سلیمانی و شهید ابومهدی مهندس، هر دو در کف میدان حضور داشتند و دوطرف رزم را به هم‌وصل کردند. یعنی شهید ابومهدی موجب شد امکانات و وسایلی را که در خوزستان لازم بود، از آن طرف مرز، از داخل عراق، از بصره و جبّاله جاها بیاورند داخل کشور؛ که کمک بسیار بزرگی بود. خود این حضور این دو عزیز، دو ستاره برجسته میدان مجاهدت، موجب شد که کسانی زیادی، هم در این طرف هم در آن طرف به اینها نگاه کنند و وارد بشوند. البتّه در قضایا مردم با امتحان خوبی دادند؛ هم در خوزستان، هم در بقیّه جاها از همه جا واقعاً شتافتند و کار کردند.

لزوم همکاری، تلاش، و تمرکز نیروها دربرابر دشمنی‌ها

دشمنی، امروز با ملّت ایران زیاد است. وقتی دشمنی زیاد شد، از این طرف همکاری باید زیاد بشود، تلاش باید زیاد بشود. وقتی دشمنی حمله‌ می‌کند، انسان بایستی نیروهای خودش را متمرکز کند و مجتمع کند و کار کند؛ امروز این دوست - حالا بعد شرح خواهم داد - دشمن ما درصدد زدن ملّت ایران را اذیّت کنند. همچنان که بنی‌اسرائیل حضرت موسی را اذیّت می‌کردند، این دشمنان ما هم که بعضی‌شان جزء بنی‌اسرائیلند، می‌خواهند ملّت ما را که تابع پیغمبر و حضرت موسی و حضرت عیسی و بقیّه پیغمبران است اذیّت کنند. وقتی می‌خواهند اذیّت کنند، ما باید همه نیروهایمان را جمع کنیم، متمرکز کنیم، تلاش کنیم و کار کنیم؛ مثل دوران دفاع مقدّس.

البتّه یکی از کارهای مهمّی که در این دوران می‌شود انجام داد کار علمی است؛ که من اطلاع دارم در بخش‌های مختلفی با جدّیّت مشغولند برای شناسایی این ویروس، برای پیدا کردن بیماری این ویروس. کارهای زیاد علمی دارند انجام می‌دهند و خود این کارهای علمی که انجام می‌گیرد، دارای برکت است؛ یعنی کارهای مهمّی را به‌طور طبیعی برای ما پیش می‌آورد؛ همچنان که در دوران دفاع مقدّس هم همین‌جور بود؛ متأسّفانه کشید شهید باقری را که جوانی بود در منتهاکز روزنامه‌ای، در یک مجموعه‌ای مشغول کار و تلاش معمولی بود؛ وقتی که پای او به جنگ، به دفاع مقدّس باز شد، تبدیل شد به یک فرمانده و طرّاح برجسته نظامی یعنی آن استعداد در او بُروز کرد؛ اینجا هم همین‌جور است؛ ممکن است کسانی که در کارهای تحقیقاتی هستند، وقتی وارد این میدان می‌شوند، تبدیل بشوند به یک از جستگان و محقّقین بزرگی که کارهای بزرگی را ان‌شاءالله انجام بدهند. خب این راجع به مساله خدمت.

اهداف آمریکا در مساله تحریم‌ها

مساله بعدی که من مطرح می‌کنم، مساله تحریم‌هاست. خب، تحریمی که آمریکایی‌ها علیه ملّت ایران به کار گرفته‌اند، قطعاً یک جنایت است؛ بعدی یک جنایت بزرگی است که اینها علیه یک ملّت به کار می‌گیرند؛ اتّفاقاً هرجای اینها است که علیه نظام جمهوری اسلامی است، اما در واقع علیه همه ملّت این جنایت را دارند اینها انجام می‌دهند. در این باره من چند نکته را می‌خواهم عرض بکنم؛ یک نکته این است که هدف اینها این کار چیست؛ یک هدف کوتاه‌مدّت دارند، یک هدف میان‌مدّت دارند، و یک هدف بلندمدّت دارند.

۱) هدف کوتاه‌مدّت آمریکا؛ به ستوه آمدن ملّت ایران

هدف کوتاه‌مدّت آنها این است که مردم را به‌ستوه بیاورند؛ ملّت ایران به‌ستوه بیایند، خسته بشوند، آشفته بشوند و درمقابل دستگاه حکومت بایستند؛ این هدف اوّل آنها است. می‌خواهند این فرشار بیاورند که مردم را به‌ستوه بیاورند تا موجب شود مردم درمقابل نظام، درمقابل حکومت و دولت بایستند. این هدف کوتاه‌مدّت آنها است؛ لذا می‌بینید که هم پارسال گفتند، هم امسال گفتند؛ نابستان دفاع؛ دفاع یعنی مردم باید بیایند درمقابل نظام ایستادگی کنند. حالا خودشان مبتلا به تابستان دفاع شده‌اند.

۲) هدف میان‌مدّت آمریکا؛ ایجاد مانع دربرابر پیشرفت کشور

هدف میان‌مدّت آنها این است که با این تحریم از پیشرفت کشور مانع بشوند؛ عمدتاً پیشرفت علمی. اینها اگفته‌اند، اینها حدسیّات من و تحلیل من نیست، اینها حرف‌هایی است که لابه‌لای اظهارات خودشان - چه سیاستمداران شان، چه آنهایی که قوّتی در کشورشان دارند - گفته‌اند؛ اینکه‌های سیاسی و امثال اینها - به زبان آورده‌اند، اینها را گفته‌اند. هدف این است که با این تحریم، محدودیّت هایی ایجاد کنند که کشور پیشرفت نکند؛ به‌خصوص در زمینه‌های علمی پیشرفت انجام نگیرد. حتّی گفته‌اند و تصریح کرده‌اند که این شهادت‌هایی هم که انجام گرفت - شهدای هسته‌ای و مانند اینها - برای این بود که پیشرفت علمی کشور ایران عقب بیفتد. این هم هدف میان‌مدّت اینها است.

۳) هدف بلندمدّت آمریکا؛ ورشکستگی دولت و فروپاشی اقتصاد

هدف بلندمدّت‌شان هم به ورشکستگی کشاندن کشور است. به ورشکستگی کشاندن دولت است؛ یعنی متلاشی کردن اقتصاد کشور و فروپاشی اقتصاد کشور، که طبعاً اگر اقتصاد یک کشوری به کلّی از هم فروپاشید و متلاشی شد، ادامه حیات برای او ممکن نیست، هدف نهایی‌شان این است و می‌خواهند این کارها را هم بکنند.

۴) هدف جنبی آمریکا؛ قطع رابطه جمهوری اسلامی با نیروهای مقاومت

هدف جنبی‌ای هم دنبال‌اش می‌کنند که می‌خواهند به این وسیله رابطه جمهوری اسلامی را با دستگاه‌ها و نیروهای مقاومت در منطقه قطع کنند؛ چون می‌دانند جمهوری اسلامی هرجه بتواند به اینها کمک می‌کند، حمایت می‌کند؛ اینها هم می‌خواهند این رابطه را قطع کنند. اینها هدف‌های دشمن است که اصلاً وارد شده برای اینکه این کارها را انجام بدهد؛ البتّه باید گفت «شرّ در خوب بیند پنبه‌داند»؛ دنبال این است که این سه‌هدف را - کوتاه‌مدّت، میان‌مدّت، بلندمدّت - درکنار هم انجام بدهد که الحمدلله ناکام شده.

ناکامی دشمن در اهداف تحریم

البتّه تحریم مشکلاتی ایجاد کرده؛ در این شکی نیست. همه مشکلات هم مربوط به تحریم نیست، مقداری مربوط به ضعف‌های ما در مدیریّت کشور است، مقداری هم در این اواخر مربوط به کرونا است، مقداری هم مربوط به تحریم است؛ مشکلات هست؛ [مثل] وضع معیشت مردم که حالا من بعد برمی‌گردم به این قضیّه. مشکلاتی وجود دارد اما آنچه آنها می‌خواستند نشده و نخواهد شد، آن چیزی که آنها در ذهن‌شان بوده نشده، این خوب آشفته‌اند. این‌شدن خیبت تعبیر نشده. اتّفاقاً همین تعبیر نشدن این خوب و تحقّق نیافتن مقاصد اینها را هم خودشان اعتراف می‌کنند؛ الان در خبرهای فراوانی که از جاهای متعدّدی، از غرب، از آمریکا، از اروپا - می‌رسد و افرادی که در همین اندیشه‌دها مشغول هستند، دارند اعتراف می‌کنند و می‌گویند فشار شدید تحریم و شدّت عمل آمریکا به خرد ما، به مقصود نرسید و نتوانستند آن کاری که در مورد این ملّت می‌خواستند انجام بدهند. این نکته اوّل؛ بنابراین تحریم یک جنایتی بود با این هدف‌ها و دشمن به این هدف‌ها بحمدالله نرسیده و نخواهد رسید.

جریان تحریف حقایق به موازات تحریم

نکته دوم؛ به موازات تحریم، این را درست توجّه کنید. یک جریان تحریف هم هست در کنارش یک جریان تحریف هست؛ تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیّات؛ چه واقعیّات تحمیلی ما، چه واقعیات مربوط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام می‌دهند. هدف از این تحریف و چیز است، دو کار را می‌خواهند انجام بدهند؛ یکی، ضربه به روحیه مردم است که حالا من عرض می‌کنم که چه جوری می‌خواهند به روحیه مردم ضربه بزنند؛ یکی [هم] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است که خب بعد از این زمینه‌ها هست و با این دو هدف دارد انجام می‌گیرد. پول زیادی هم دارد خرج می‌کنند برای اینکه این حقایق را تحریف کنند. این هم ملاحظه می‌کنید که همین رقابت‌ها، وزیرهای، رئیس‌شان، دیگران، خودشان را دارند خفه می‌کنند از بس به اینجا و آنجا سرفر خیلی حرف بزنند، مصاحبه کنند، در هر قضیه‌ای اسم ایران یا یک چیزی بیاورند؛ واقعاً دارند خودشان را خفه می‌کنند و این جریان تحریف است که وجود دارد.

تضعیف روحیه و نشاط و تحرّک و امید مردم توسّط دشمن، از اوّل انقلاب

اما آن مساله اوّل که تضعیف روحیه مردم و ضعیف کردن نشاط و تحرّک و امید مردم است، از اوّل انقلاب بوده. از اوّل انقلاب، خطّ ثابت دشمن همین بود که خطاب به مردم ایران، به وسیله تلویزیون‌ها، رادیوها - البتّه آن‌وقت محدود نبود، حالا که دیگر وسیع هم شده؛ و انواع و اقسام راه‌های ارتباطی وجود دارد - به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری از عهده کسی برای شما برنمی‌آید، اوضاع‌تان خراب است و غیره؛ از اوّل انقلاب - یعنی از اوایل انقلاب، که حالا یک مقداری اوّل انقلاب گیج بودند، [بعد] به خود آمدند و جریان تبلیغی را علیه کشور پیش گرفتند - یکی از هدف‌ها همین بوده که به مردم ایران بگویند شما بدبختید و اوضاع‌تان خراب است؛ الان در خبرهای فراوانی که از جاهای متعدّدی، از غرب، از آمریکا، از اروپا - می‌رسد و افرادی که در همین اندیشه‌دها مشغول هستند، دارند اعتراف می‌کنند و می‌گویند فشار شدید تحریم و شدّت عمل آمریکا به خرد ما، به مقصود نرسید و نتوانستند آن کاری که در مورد این ملّت می‌خواستند انجام بدهند. این نکته دوّم است.

جریان تحریف حقایق به موازات تحریم

نکته سوّم؛ خب دقّت بکنید، این را درست توجّه کنید. یک جریان تحریف هم هست، در کنارش یک جریان تحریف هست؛ تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیّات؛ چه واقعیّات تحمیلی ما، چه واقعیات مربوط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام می‌دهند. هدف از این تحریف و چیز است، دو کار را می‌خواهند انجام بدهند؛ یکی، ضربه به روحیه مردم است که حالا من عرض می‌کنم که چه جوری می‌خواهند به روحیه مردم ضربه بزنند؛ یکی [هم] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است که خب بعد از این زمینه‌ها هست و با این دو هدف دارد انجام می‌گیرد. پول زیادی هم دارد خرج می‌کنند برای اینکه این حقایق را تحریف کنند. این هم ملاحظه می‌کنید که همین رقابت‌ها، وزیرهای، رئیس‌شان، دیگران، خودشان را دارند خفه می‌کنند از بس به اینجا و آنجا سرفر خیلی حرف بزنند، عملیه ایران می‌خواهد، مصاحبه کنند، در هر قضیه‌ای اسم ایران یا یک چیزی بیاورند؛ واقعاً دارند خودشان را خفه می‌کنند و این جریان تحریف است که وجود دارد.

کارهای مهمّ اقتصادی و نظامی و علمی در توسّط دشمن، از اوّل انقلاب

نکته چهارم؛ خب، گفتیم که تحریم اثر گذاری بعضی به اهداف موردنظر دشمن نرسید؛ دلیلش چیست؟ دلیلش کارهای مهمّی است که در دوران تحریم در کشور انجام گرفت؛ فرض بفرمایید، چند هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور درست شد؛ این کار مهمّی با قدرت بیشتری در جریان است. ما قبل از انقلاب، یک شدید، این چند هزار شرکت دانش‌بنیان را نداشتیم؛ یا فرض بفرمایید پالایشگاه سازه خلیج‌فارس که به‌وسیله سپاه درست شد؛ کار بسیار عظیمی است، کار بزرگی است؛ این کارهای مهمّ در دوران تحریم انجام گرفت، و با وجود تحریم انجام گرفت، که مردم دنیا نتعجّب می‌کنند؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در بخش‌های نظامی شده؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در پارس جنوبی شده - در پارس جنوبی که منطقه مهمّ گازی ما است - کارهایی انجام گرفت در حال توسعه؛ یا طرح‌های عظیم اجرایی راضی خوزستان و بقیّه‌ایکه یکی از کارهای مهم است من نمی‌دانم اینها چقدر تبلیغ شده، چقدر به مردم گفته شده؛ کارهای بزرگی انجام گرفت در

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه صفحه ۱۴

مردم تضعیف بشود؛ امید مردم، به‌خصوص امید جوان‌ها؛ چون وقتی امیدوار باشند، تحرّک جوان‌ها، تحرّک فوق‌العاده است، جوان‌ها پیشتازند، پیش‌رانند؛ اگر چنانچه امید از آنها گرفته شد، متوقّف می‌شوند، مثل ماشینی که بنزینش تمام می‌شود، این جور [متوقّف] می‌شوند.

اینها هست، هدف‌شان این است، می‌خواهند جوان‌های ما را ناامید کنند، نشاط را از آنها بگیرند، تحرّک را از آنها بگیرند و جوری بشود که جوان‌ها تحرّک و پیشتازی و پیشگامی خودشان را نداشته باشند. این هدف اینها است و البتّه در بعضی‌ها اثر هم می‌کند. در داخل هم کسانی همین حرف‌های آنها را تکرار می‌کنند؛ یک خبری را فرض بفرمایید در نوشته یا اظهارات قلان کسی که جزء مجموعه‌های سیاسی است انسان می‌شنود، دوروز بعد می‌بیند که یا در فضای مجازی، یا در فلان روزنامه در کشور ما همان منعکس می‌شود. از این کارها متأسّفانه هست در داخل.

شرط شکست تحریم: شکست جریان تحریف در عرصه جنگ اراده‌ها

در آن بخش دوّم، [یعنی] آدرس غلط دادن، آدرس دادن‌شان این جوری است که می‌گویند «اگر می‌خواهید تحریم برطرف بشود، در مقابل آمریکا کوتاه بیایید»؛ «خلاصه حرف این است که باید کوتاه بیایید در مقابل آمریکا، باید ایستادگی نکنید، که حالا من بعداً درباره این، با تفصیل بیشتری صحبت خواهم کرد. این هم جریان تحریف. البتّه من به شما عرض بکنم که بله، بعضی‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند، و همان مطلبی را که آنها می‌گویند تکرار می‌کنند؛ حمایت می‌کنند؛ اینها هم وجود دارند. اینها هدف‌های دشمن است که اصلاً وارد شده برای اینکه این کارها را انجام بدهد؛ البتّه باید گفت «شرّ در خوب بیند پنبه‌داند»؛ دنبال این است که این سه‌هدف را - کوتاه‌مدّت، میان‌مدّت، بلندمدّت - درکنار هم انجام بدهد که الحمدلله ناکام شده.

دهه بلند؛ دهه تضرّع و انابه الی‌الله

دهه سوّم ذی‌حجّه، دهه تضرّع و توجّه و انابه الی‌الله است. خاطره‌ها در این دهه هست؛ یکی از دلبستگی‌های اینجانب دهه دوّم ذی‌حجّه، دهه خاطره‌ها است. هر دهه‌ای یک خصوصیّتی دارد؛ دهه اوّل، هم دهه خاطره‌های پُرشکوه و مهم و آموزنده است و هم دهه تضرّع و توجّه و انابه الی‌الله است. خاطره‌ها از خاطرات مربوط به حضرت موسی (علیه‌السّلام) شروع می‌شود که مساله «وَواعَدْنا مُوسی ثَلاثینَ لَیْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعینَ لَیْلَةً» [است که] چهل شب میعاد حضرت موسی با پروردگار عالم در کوه طور با همان میقاتی که بود طول کشید؛ که در تفسیر هست که این چهل شب از اوّل شب اوّل ذی‌قعده است تا شب عید قربان. و اوّل، قرار می‌شود شب است، بعد دهشب اضافه می‌شود که همین ده‌شب ذی‌حجّه است؛ که این [موضوع] که اهمیّت این شب‌ها را نشان می‌دهد.

رنج‌های حضرت موسی (علیه‌السّلام) در این خاطرات مشخّص است. خب، زحمات فراوان حضرت موسی (علیه‌السّلام) در مصر، درگیری با فرعون و مشکلات عجیب و غریبی که بعد از برگشتن از مدین تا بیرون آمدن از مصر برای این بزرگوار پیش آمد - در رابطه با فرعون، در رابطه با بنی‌اسرائیل، در رابطه با سحره و دیگران - و بعد از آن معجزه عظیمی که اتّفاق افتاد، که دریا شکافته شد و دشمن بنی‌اسرائیل با همه نیروهایش جلوی چشم‌تانها غرق شد، خب این دیگر باید یک ایمان ثابت مستقری را در بنی‌اسرائیل به‌وجود می‌آورد؛ [ولی این‌جوری نشد. اوّل که گفتند: «اِجْعَلْ لَنا إِلهاً کَما لَهُمْ آلِهَة»، که دنبال شرک و بت‌پرستی و مانند [بودند] و اَیّامِ‌الله‌شان پر از بدی‌های بت‌پرستی - اوّل کار بود - بعد هم که قضیّه گوساله [بود] که این ظاهراً مربوط به همین چهل‌روز است که این بزرگوار وقتی از میعادبرگشتند، دید که اوضاع دگرگون شده و ملّت برگشتند.

چه رنج بزرگی است برای یک پیغمبر، یک داعی الی‌الله، با این همه زحمت عذّابی را در راه خدا به راه بیندازد و ایمان به اینها تلقین بکند، بعد به یک چیز جزئی اینها این‌طور اینها را برگردند؛ که در قرآن دارد «وَالْقی الْاَلواحَ وَاَخَذَ بِرَأسِ اَخیهِ یَجُرُّهُ اِلَیه»، حضرت این‌وضع را که دیدند، به‌شدّت خشمگین ناراحت متأسّف شدند، که در قرآن حدّاقل دوجا به این [موضوع] اشاره شده است، که «لاتَکونوا کَالَّذینَ آذَوا موسی» و آزاری بنی‌اسرائیل به حضرت موسی در اینجا کرد شده؛ یک جا هم در سوره صف است که «فاذ موسی لقومه یا قوم لِمَ تُؤْذونَنی وَقَد تَعلَمونَ اَنّی رَسولُ اللهِ اِلَیکُم»؛ این نُشان‌دهندهٔ آن است که اذیّت و آزار بنی‌اسرائیل به حضرت موسی خیلی بزرگ بوده؛ این دشب خاطره‌ها و واقعات مهمّ تاریخی است و به ما نشان می‌دهد که حرکت در راه حق با وجود معجزاتی مثل معجزات موسی، چقدر مشکلات دارد و چقدر باید با این مشکلات مواجه شد و صبر کرد، که این یک خاطره است.

بعد مساله روز عرفه است که روز دعا و توسّل و توجّه و اوج توجّه به خدا است که در روایت از امام صادق (عل